

نوه‌ها و مادر بزرگها رابطه‌ها:

رابطه نوه‌ها و مادر بزرگها از جهات مختلف و زوایای گوناگون بسیار مهم، قابل توجه و در عین حال از نظر تربیتی فوق‌العاده حساس است.

در غالب موارد چگونگی ارتباط "مادر بزرگ" با "نوه" نقش چشمگیر و تعیین کننده در تکوین و شکل‌گیری شخصیت کودک (نوه) دارد.

به طور کلی مادر بزرگها با توجه به موقعیت و شرایط و امکانات فردی و خانوادگی، دامنه ارتباطات، گستره روابط و دایره صمیمیت‌ها و یکرنگی‌ها با فرزندان، با نوه‌های خود رابطه برقرار کرده، نقشهای متفاوتی در ارتباط با آنها ایفا می‌کنند. به عبارت دیگر نقش واقعی مادر بزرگ در فرایند ارتباط متقابل و پیوند عاطفی با نوه، در بستری از شرایط روانی و اجتماعی پدیدار می‌شود. بنابراین "مادر بزرگها" با توجه به ویژگیهای شخصیتی، خصیصه‌های رفتاری و قابلیت‌ها و مهارت‌های اجتماعی‌شان در ارتباط با "نوه‌ها" عهده‌دار نقشهای متنوعی می‌شوند. به عنوان مثال در اینجا به چند نمونه از نقش مادر بزرگها اشاره می‌شود.

نقش رسمی

بعضی از مادر بزرگها به لحاظ ویژگیهایی که در شخصیت آنان مشهود است و با توجه به

نگرش ایشان نسبت به خانواده فرزندان، رابطه‌ای کاملاً رسمی و جدی با نوه‌ها دارند. در این وضع، مادر بزرگها با نوه‌ها رفتاری بسیار مؤدبانه، محترمانه و مهربانانه دارند و کاملاً مراقب هستند که مبادا کلامی بگویند یا رفتاری از خود نشان دهند که خدای ناکرده موجب رنجش خاطر نوه خود شوند. بدیهی است که این گونه رابطه‌ها بسیار محدود و منحصر به موقعیت‌های خاص خواهد بود و طبعاً چنین رابطه‌ای برای نوه‌های خردسال آنچنان خوشایند و دوست داشتنی نخواهد بود.

نقش غیر رسمی

در این نوع ارتباط، مادر بزرگها به لحاظ احساس صمیمیت و نزدیکی هر چه بیشتر، به دور از هر گونه تکلف و رفتارهای کلیشه‌ای و با نهایت خلوص و احساس تلاش می‌کنند رابطه‌ای کاملاً صمیمی با نوه‌ها داشته باشند و همه توان خود را برای ایجاد رابطه‌ای دوست داشتنی و مملو از نشاط و سرزندگی مبذول دارند. در این نوع رابطه، بیشترین نقش مادر بزرگها در هیأت یک همبازی رام و مطیع



جلوه گر می شود و در واقع بازی با بچه ها و گذراندن لحظات و اوقاتی خوش با آنها، هدف اصلی مادر بزرگها در این نقش است.

نقش جانشینی

گاه مادر بزرگ بنا به دلایلی عملاً جانشین مادر می شود و اغلب روزها و بعضاً شبها اوقات قابل توجهی را با نوه عزیزش سپری می کند. در واقع مادر بزرگ مسؤلیت نگاه داری، مراقبت، تنظیم امور و رسیدگی به نیازهای اساسی کودک را عهده دار می شود.

این نقش مادر بزرگ در غیاب مادر فوق العاده حساس است و از نظر روان شناسی تربیتی بسیار مهم و تعیین کننده می باشد. جانشینی مادر بزرگ به جای مادر ممکن است در موقعیت ها و شرایط گوناگون صورت پذیرد و صرفاً محدود به زمان اشتغال مادر خارج از خانه نیست؛ زمانی که مادر خدای ناخواسته بیمار است و بستری، ایامی که مادر در خانه یا بیمارستان فرزند دیگری به دنیا می آورد، هنگامی که مادر بدون همراهی کودک به سفر

زیارتی، سیاحتی یا مأموریتی اضطراری می رود، دورانی که مادر بناگزیب و به دلایلی موقتاً به عنوان اعتراض و قهرخانه را ترک می کند و یا از خانه رانده می شود، زمانی که مادر بناچار از همسر جدا شده، تنها زندگی می کند و یا همسر دیگری بر میگزیند، ساعاتی که مادر حسب علاقه و ارائه خدمت بایسته و نیاز یا ضرورت اقتصادی، در خارج از منزل به کار دیگری اشتغال دارد، در مواقعی که مادر به دلایل گوناگون از جمله ضعف شخصیت و عدم قابلیت لازم مادری نمی تواند به گونه ای که بایسته و شایسته است فرزند خود را اداره و هدایت کند، در موقعیتی که مادر دارفانی را وداع می گوید و خلاصه هر زمان که خلایق بین مادر و فرزند ایجاد می شود، مادر بزرگ با اتخاذ تدابیر مناسب می تواند جانشین شایسته ای برای مادر باشد و رابطه ای بسیار صمیمی و دوست داشتنی با نوه خود برقرار کند.

البته گاهی نیز مادر بزرگ در کنار یا همراه خانواده فرزند خود زندگی می کند و با شخصیت فوق العاده نافذ، مقتدر و حاکم خود،

نقش معلمی

گاهی رابطه "مادر بزرگها" و "نوه‌ها" را در هاله‌ای از صمیمیت و معنویت و در بستری از مبانی اخلاقی و تعلیم و تربیتی در می‌یابیم. در این گونه رابطه‌ها و پیوندهای عاطفی میان مادر بزرگها و نوه‌ها، ضمن وجود صمیمیت متقابل، نشاط و سرزندگی در روابط فی مابین، مادر بزرگها عمدتاً در جایگاه فردی بصیر، دانا، عاقل و حکیم قرار دارند و نقش اصلی‌شان ارائه اطلاعات و دانش عمومی، آموزش مهارتهای کلامی، حسی و حرکتی و پرورش رفتارهای مطلوب در فضایی سرشار از عطوفت و مهربانی نسبت به نوه یا نوه‌هاست.

به سخن دیگر در این قبیل رابطه‌ها، مادر بزرگها اساساً رسالت مربیگری و معلمی را عهده‌دار هستند و هرگز در صدد جانشینی مادر نمی‌باشند. البته ایشان در این نقش همواره معلمی خوش‌رو، خوش اخلاق، مهربان و متبسم، صبور و پر حوصله هستند. در واقع بسیاری از مادر بزرگهایی که در زندگی خانوادگی خود چنین نقش مؤثری بر عهده‌دارند، از بهترین معلمان و مربیان کودکان خردسال و بچه‌های پیش‌دستانی محسوب می‌شوند.

مادر بزرگهای عزیزی که با تعادل و تعالی شخصیت، از جایگاه و منزلت ارزشمندی برخوردار بوده، با همه اعضای خانواده ارتباطی صمیمی و مؤثر دارند و دوست می‌دارند با همه فرزندان و نوه‌های پسر و دختر خود رابطه‌ای دوست‌داشتنی داشته باشند و در عین حال خود نیز از حسن انجام وظایف همسری و آرامشگری غافل نمانند و همواره زیباترین، جذاب‌ترین و پایدارترین رابطه‌ها را با

فرصت اظهار نظر تربیتی و اعمال شیوه‌های فرزندپروری را به مادر نوه‌اش نمی‌دهد و عملاً با این که مادر در خانه حضور دارد، به طور مستقیم و غیرمستقیم، مادر بزرگ تربیت و هدایت بچه را عهده‌دار می‌شود. بدیهی است که این رابطه از نظر تربیتی چندان مورد تأکید نیست.

در حقیقت امروزه در جامعه اسلامی ما بیشترین زمانی که مادر بزرگها جانشین مادر می‌شوند و رأساً مراقبت، تربیت و هدایت کودک را عهده‌دار می‌شوند، ایام و ساعاتی است که مادر با انگیزه‌های مختلف در خارج از خانه به کار دیگری اشتغال دارد. در این شرایط بیشترین و مفیدترین اوقات فعال و پویای کودک (نوه) در اختیار مادر بزرگ قرار می‌گیرد و مادر کمتر می‌تواند (با وجود مادر بزرگ) خلاء وجودی خود را آن گونه که انتظار می‌رود، پر کند.

هر چند در کنار مهدکودکهای خصوصی، بعضی از نهادها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت و شرکتهای غیردولتی نیز برای رفاه حال خانمهای شاغل مهدکودکهایی دایر کرده‌اند، اما بدون تردید باید اذعان داشت که هرگز مهدکودکها با همهٔ مربیان و امکانات آموزشی و نمایشی نمی‌توانند همچون مادر بزرگی فهیم، بصیر، حکیم، مهربان و صبور در رشد مطلوب شخصیت کودک مؤثر واقع شوند. لذا جانشینی مادر بزرگ در ساعاتی که مادر خارج از خانه مشغول کار است، چنانچه با تدبیر و برنامه‌ریزی هماهنگ و روش معقول تربیتی و پرورشی انجام پذیرد، خود نعمت بزرگی است که باید مادر و پدر کودک قدر دان آن باشند.

در مواقع خاص که زمینه مناسبی فراهم شود و فرصتی پیش بیاید به دیدن نوه خود می‌رود و یا نوه را در خانه خود ملاقات می‌کند.

البته گاه عوامل جغرافیایی، بعد مسافت و زندگی در دیار غربت و اقامت یکی از خانواده‌ها در شهر و کشوری دیگر سبب این گونه روابط می‌شود، اما در بیشتر موارد عامل جغرافیایی و بعد مسافت مطرح نیست و با این که خانواده مادربزرگ و خانواده نوه هر دو در یک شهر و یک منطقه، بلکه یک محله و حتی یک خیابان زندگی می‌کنند، عمدتاً به خاطر عامل روانی، مسائل شخصی و تفاوت‌های اخلاقی و غربت عاطفی، دیدار مادربزرگ و نوه عزیز بندرت صورت می‌پذیرد و مادربزرگ نقشی همانند یک میهمان تازه وارد در رابطه با نوه خود ایفا می‌کند. پر واضح است که چنین رابطه سرد و کمرنگی نمی‌تواند برای مادر بزرگ و نوه شیرینی و نشاطی در پی داشته باشد.

* * *

آری، وجود مادربزرگها در کنار نوه‌ها به معنای حضور سه نسل ارزشمند و سه حلقه عطوفت در کنار یکدیگر، فوق‌العاده مهم و قابل توجه است. این حضور می‌تواند با اندکی تدبیر و دوراندیشی، گذشت و صبوری، نشاط و سرزندگی، حضوری موفق و پر برکت باشد.

پیوند عاطفی و رابطه پویا، پرنرمس و تعالی بخش نوه‌ها و مادربزرگها بستگی به شرایط و عوامل گوناگونی دارد که توجه به این عوامل می‌تواند تضمین‌کننده پایدارترین و متعالی‌ترین پیوندهای عاطفی و اخلاقی باشد. در اینجا به اختصار به چند عامل مهم که در نوع ایجاد و استمرار رابطه مفید و مؤثر نوه‌ها و

همسرشان داشته باشند، ترجیح می‌دهند تا آنجا که مقدور است به جای جانشینی مادر، نقش پویا، سازنده و پر برکت معلمی و مربیگری را بر عهده بگیرند. باید توجه داشته باشیم که بسیاری از مادربزرگها با داشتن یک یا چند نوه، هنوز پای به دوران پیری و کهنسالی نگذاشته، در سنین میانسالی زندگی فعالی را به همراه همسران خود اداره می‌کنند و نمی‌توانند با بی‌تفاوتی نسبت به کانون خانواده خود و حسن تأمین نیازهای روانی و اجتماعی همسر و تربیت مطلوب فرزندان، در نقش جانشینی مادر، همه روزها و ساعات عمر خود را صرفاً برای مراقبت از یک نوه صرف کنند، ضمن آن که دوست دارند زیباترین رابطه‌ها را با نوه خود داشته باشند.

نقش میهمان

گاهی اوقات به دلایل گوناگون اخلاقی، روانی، اجتماعی و فرهنگی رابطه مادربزرگها با "نوه‌ها" از صمیمیت مورد انتظار برخوردار نیست و جایگاه و منزلت مادربزرگ با حضور دیگر آشنایان و همسایگان تفاوت چندانی ندارد، بلکه گاه رابطه "نوه" با بزرگسالان همسایه و آشنا بسیار صمیمی‌تر از رابطه‌اش با مادربزرگ است. بدیهی است که علت اصلی این امر را می‌توان در چگونگی ارتباط و نحوه رابطه فی مابین مادربزرگها و فرزندان، دامادها و عروسها جست‌وجو کرد. در این نوع رابطه مادربزرگها زمانی که فرصت پیدا می‌کنند نوه خود را ملاقات کنند و اوقاتی را با او بگذرانند، در واقع همانند یک مهمان رفتار می‌کنند. در این قبیل ارتباطات خانوادگی که بسیار محدود برقرار می‌شود، مادر بزرگ فقط

بسیار بدیهی است که در جامعه اسلامی ما که به لطف خداوندی ارزشهای والای قرآنی و فرهنگ متعالی اسلامی بر آن حاکم می‌باشد و باید اینچنین باشد، سالمندان و بزرگسالان، پدربزرگها و مادربزرگها از بیشترین عزت و احترام برخوردار باشند. پیامبر خدا - صلی الله علیه و آله - می‌فرماید: "من عرف فضل شیخ کبیر فوقره لسنه آمنه الله من فزع یوم القیامه" - "آن کس که قدر و منزلت سالمندان را در یابد و به خاطر کهولت سنشان آنان را مورد احترام و تکریم قرار دهد، خالق متان چنین شخصی را از وحشت روز قیامت امان خواهد داد. همچنین می‌فرماید: "کسی که به خردسالان ما تفضل و ترحم نکند و سالمندان و پیران ما را مورد تکریم و احترام قرار ندهد، از ما نیست."^۳

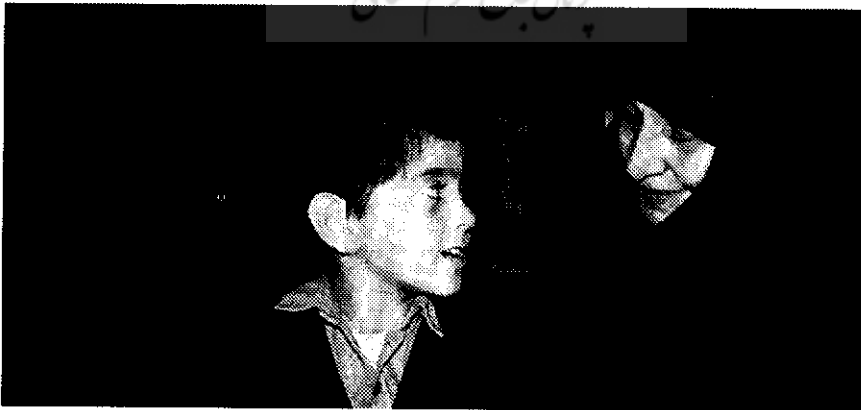
مولای متقیان علی علیه السلام نیز بر این مهم تأکید می‌کنند و می‌فرمایند: "وارحم من اهلک الصغیر و قر منهم الکبیر"^۴ - با کودکان و خردسالان مهربان باشید و بزرگسالان و سالمندان خود را مورد احترام و تکریم قرار دهید.

رسول رحمت خدا - صلی الله علیه و آله - و

مادربزرگها تأثیر قابل توجهی دارد، اشاره می‌شود.

اصلی‌ترین عامل در رابطه موفق و پویای نوه‌ها و مادربزرگها را باید در چگونگی نگرش والدین کودک نسبت به منزلت و ارزشمندی شخصیت بزرگسالان به طور اعم و پدربزرگها و مادربزرگها به طور اخص جست‌وجو کرد.

وقتی کودک مشاهده می‌کند که در شرایط و موقعیت‌های متفاوت، به طور مستقیم و غیرمستقیم، کلامی و غیرکلامی، با نگاه و رفتار و در خلوت و جمع، شخصیت مادر بزرگ^۱ توسط پدر و مادرش برآستی و درستی مورد تأیید و تکریم قرار می‌گیرد، توجه و علاقه خاص کودک متوجه شخصیت مورد احترام و دوست داشتنی مادربزرگ می‌شود، هر چند که نگرش بچه‌ها به موازات رشد جسمی و ذهنی آنها نسبت به مادر بزرگ نیز متحول می‌گردد. بچه‌ها دوست دارند همیشه مورد توجه بزرگسالان محبوب خود باشند و به پیوند عاطفی و رابطه مسرت‌بخش بین خود و مادربزرگ بسیار علاقه‌مندند.



بدون تردید غالب رفتارها و تحول و پدیدآیی شخصیت کودک بر اساس یادگیریهای کلامی و مشاهده‌ای او از همان زندگی دوران جنینی و سالهای اول تولد صورت می‌پذیرد و بازخوردها و نگرشهای کودک نسبت به پدیده‌های مختلف و اشخاص متفاوت، حاصل شناخت و احساسی است که نسبت به آنها پیدا می‌کند و پدرها و مادرها به طور مستقیم و غیرمستقیم، کلامی و غیرکلامی و در غالب موارد با کنش‌ها و واکنشهای خود در شرایط و موقعیت‌های مختلف زمینه شناخت و آشنایی کودک را نسبت به شخصیت و جایگاه افراد و مسائل گوناگون محیطی و اجتماعی و بالطبع پدیدآیی احساس خوشایند یا ناخوشایند ایشان را در نتیجه شناخت حاصل، فراهم می‌کنند.

و سرانجام عامل بسیار مؤثر دیگر در برقراری رابطه موفق و پربرکت میان نوه و مادر بزرگ، ویژگیهای مطلوب شخصیتی، تعادل عاطفی، تعالی رفتار، بهداشت روان، آرامش خاطر، چهره‌گشاده و صبور، اندیشه پویا و نقش پرمعنا و پرجاذبه "مادر بزرگ" در فرایند زندگی شخصی و خانوادگی و قابلیت‌ها و مهارت‌های اجتماعی او در برقراری ارتباط و روابط متقابل با کوچکترها و بزرگترها، بی‌وزنه نوه‌هاست.

به طور مسلم همه مادر بزرگ‌های فهیم و بصیر به نیکی می‌دانند که در شرایطی که نوه‌شان در کنار مادر زندگی می‌کند، عدم حضور موقت مادر در خانه به دلایل اشتغال و غیره و یا کم‌توانی و کم‌تجربگی مادر در امر فرزندپروری هرگز نمی‌تواند مجوزی برای مادر بزرگ باشد که در رابطه با نوه خود به گونه‌ای

مولای متقیان علی علیه‌السلام در این دو روایت پر مغز و کلام حکیمانه عمدتاً جوانان و پدران و مادران توانمند و مقتدر را مخاطب قرار داده، آنها را موظف و متعهد به حسن رفتار با فرزندان و خردسالان و پدران و مادران سالمند خود می‌کنند. به سخن دیگر، در یک نگاه به سه حلقه پیوند عطفوت، سه نسل پویای عصر، یعنی نوه‌ها، مادرها و پدرها و مادر بزرگ‌ها؛ حلقه واسط و فصل رابط نوه‌ها و مادر بزرگ‌ها، یعنی پدران و مادران را بیش از همه مسؤول حسن رفتار با کودکان و بزرگسالان و حفظ ارتباط مطلوب و پربرکت می‌دانند و در سایه حسن رفتار اخلاقی و پیوند شیرین عاطفی والدین با فرزندان و پدر و مادر خودشان، می‌توانیم شاهد زیباترین رابطه میان نوه‌ها و مادر بزرگ‌ها باشیم.

جوانان، زنها و شوهرها و پدرها و مادرها نیک می‌دانند که وجود پدر بزرگ‌ها و مادر بزرگ‌ها همچون سنگربانان عطفوت و مهربانی، اساس یک زندگی موفق، سالم و پر نشاط است. رسول خدا - صلی الله علیه و آله - می‌فرماید: "البركة مع اکابرکم" ۵۰ - وجود بزرگسالان و سالمندان در کنار شما موجب برکت زندگی و فزونی نعمت‌های الهی است.

نگرش مثبت و خوشایند کودک نسبت به شخصیت مادر بزرگ عامل مهم دیگری است که می‌تواند در ایجاد و استمرار یک رابطه مطلوب و موفق بین نوه و مادر بزرگ مؤثر باشد، و همان طور که اشاره شد والدین کودک نقش مهمی در ایجاد و شکوفایی این نگرش و بازخورد خوشایند دارند.

وجود اندیشه و رفتار تربیتی مشترک بین ایشان و مادر کودک است. از این رو هرگز نباید بر خوردهای فردی و رفتار تربیتی مادر بزرگ در رابطه با نوه یا نوه‌ها از صلابت و اقتدار مریگری و رفتار تربیتی مادر بکاهد.

مادر بزرگها خوب می‌دانند که همهٔ انسانها فطرتاً محبت‌پذیر، اخم‌گریز و تنبیه‌ستیز هستند و این امر در رفتار صادقانه و معصومانهٔ بچه‌های خردسال بخوبی مشهود است، از همین رو اگر کودک در شرایطی واقع شود که در برابر یک رفتار نامطلوبش (مثلاً پرت کردن اسباب بازیهایش به این طرف و آن طرف)، مادر با اخم کردن مراتب ناخشنودی خود را ابراز کند، اما مادر بزرگ در برابر این رفتار به ظاهر نادرست نوه لیخند بزند و اسباب‌بازیها را جمع کند و کمترین واکنش ناخرسندانه از خود نشان ندهد، فراوانی پدیدآیی این موقعیت‌ها و تجارب کودک از نحوهٔ برخورد مادر و مادر بزرگ در شرایط و موقعیت‌های مشابه، تأثیر نامطلوبی بر روند رشد اجتماعی و تعالی شخصیت وی به

رفتار کند که عملاً عهده‌دار وظایف مادری شده، شخصیت و اقتدار مادر کودک را نزد وی ضعیف و متزلزل کند، در عوض آنان همواره در مشی صحیح تربیتی، حامی و پشتیبان مادر کودک هستند.

مادر بزرگهای دانا و مجرب با بهره‌مندی از تجارب گرانقدر مادری خوب می‌دانند که هرگز نباید بچه‌ها را در وضعیت تعارض روانی و دوگانگی احساس قرار دهند و یا از بچه بخواهند که همواره بین نظر و روش تربیتی مادر بزرگ و مادر خود یکی را انتخاب کند، چرا که بچه‌ها نه قاضی هستند و نه قادر به تشخیص صلاح و مصلحت‌های تربیتی خویش.

بچه‌ها دوست دارند محبوب همه باشند، مخصوصاً محبوب مادر و مادر بزرگ، اما مادر بزرگها بر این حقیقت واقفند که بسیاری از احساسات، نگرشها، باورها و رفتارهای تربیتی و شکل‌گیری پایه‌های شخصیت در تعاملات عاطفی و روابط صمیمی فی‌مابین حاصل می‌شود، لذا مادر بزرگهای فهیم و اندیشمند در رفتارها و واکنشهای صمیمانه و دوستانه و توصیه‌های دلسوزانه و اقدامات متمه‌دانهٔ خود در رابطه با نوه‌ها رشد مطلوب، متعادل و متعالی شخصیت فردی و اجتماعی او را مد نظر قرار می‌دهند و تلاش می‌کنند که صرفاً بر اساس احساسات و هیجانها واکنش نشان ندهند.

مادر بزرگهای خردمند به این واقعیت اذعان دارند که در اتخاذ روشها و شیوه‌های تربیتی باید همواره با مادر کودک هماهنگ و هم‌مقصد باشند و در اعمال شیوه‌ها و رفتارهای مطلوب تربیتی یکدیگر را تأیید کنند. به سخن دیگر حضور پر برکت مادر بزرگ در کنار نوه، در گرو



سلامت و سرزندگی و دامنه حیات بیشتری برخوردارند.^۶

همه مادر بزرگها می دانند که بچه های خردسال و نوه هایی که در سنین پیش دبستانی هستند بیش از دیگران دوست دارند با آنها مأنوس بوده، معاشرت داشته باشند و از این رابطه بسیار خوشحال هستند و از آن لذت می برند. لذا بایسته و شایسته آن است که مادر بزرگها نیز در فرایند این رابطه خوشایند و دوست داشتنی همواره پای بند اصول تعلیم و تربیت و مقید به اعمال روشهای مؤثر، متعالی و مطلوب تربیتی باشند.

جا می گذارد و بعضاً زمینه تبلور خصیصه هایی همچون حساسیت فوق العاده، زودرنجی کودک در تعامل بین فردی، بخصوص در رابطه با مادر را فراهم می کند.

به عبارت دیگر، مادر بزرگها نباید به گونه ای کاملاً متفاوت از مشی اصولی و قابل قبول مادر، با نوه خود رفتار کنند و مصلحت تربیتی و رشد مطلوب شخصیت کودک را قربانی احساسات و انگیزه جلب محبت نمایند، هر چند که در بسیاری از مواقع علت این که مادر بزرگها در مقابل رفتارهای ظاهراً نامطلوب و سازش نایافته نوه ها، صبوری بیشتر نشان می دهند و سعی می کنند بر خلاف مادرها از خود واکنشی که نشانگر احساس ناخوشایند ایشان نسبت به عمل نامطلوب آنها باشد بروز ندهند، ممکن است این حقیقت باشد که مادر بزرگها نیز مثل همه انسانها دوست دارند محبوب دیگران، بویژه همیشه محبوب و مطلوب نوه ها باشند.

آری، مادر بزرگها نیز دوست دارند که فرزندان آنها، بخصوص نوه های عزیزشان آنها را خیلی خیلی دوست بدارند و عموماً سعی می کنند همیشه مهربان و اهل اغماض و گذشت فراوان باشند.

اصولاً در سایه حسن رابطه بین نوه ها و مادر بزرگها، گذران اوقات پر نشاط در تعامل فی مابین نه تنها برای نوه ها خوشایند و لذت بخش است، بلکه برای سلامت جسم و روان، نشاط و سرزندگی مادر بزرگها نیز فوق العاده مهم و ارزشمند است. مادر بزرگهایی که بخش قابل توجهی از اوقات روزانه خود را با احساس خوشایند و در شرایطی دوست داشتنی با نوه ها می گذرانند، در مقایسه با افراد سالمندی که تنها زندگی می کنند، از



که همه تلاش مادر بزرگ و پدر بزرگ در جهت تقویت رابطه مادر و فرزند و تکریم شخصیت مادر و اعتدالی اقتدار تربیتی او می‌ذول شود. هر قدر کودک برای مادر بزرگ و پدر بزرگ عزیز باشد، تا زمانی که مادر در کنار کودک زندگی می‌کند نباید کوچکترین خلاء عاطفی و غربت روانی بین ایشان ایجاد گردد. برای حسن تربیت و رشد مطلوب شخصیت فردی و اجتماعی نوه عزیز باید به مادر کودک کمک کنیم تا به شایستگی به وظیفه مادری خود عمل کند و لحظه‌ای دچار سردی عاطفی و خدای ناکرده افسردگی روانی نشود.

و بالاخره مادر بزرگها خوب می‌دانند که هر قدر بچه‌ها همبازیهای بیشتری پیدا کنند (بخصوص در سنین دبستان) رابطه‌شان با مادر بزرگها کمرنگ‌تر می‌شود. البته اگر بچه‌های سن مدرسه همواره مادر بزرگها را حامی فعالیت‌ها و بازیهای گوناگون خود ببینند، از این که در کنار آنها هستند بسیار خوشحال و مسرورند، اما اگر احساس کنند که مادر بزرگها نیز همانند مادرشان فکر می‌کنند، آنها هم مثل ایشان، در عین مهربانی، خیلی جدی و مقتدر هستند و می‌خواهند همچون معلم و ناظم رفتارهای آنها را هدایت کنند، چندان از این مسأله خشنود نمی‌شوند.

در هر حال باید توجه داشت که نگرش و رفتار بچه‌ها در ارتباط با نقش مادر بزرگها به موازات سن آنها تغییر می‌یابد و به همین دلیل نیز شایسته و منطقی آن است که رابطه نوه‌ها و مادر بزرگها در عین صمیمیت و مهربانی، بر اصول مسلم و روشهای متعالی پرورشی مبتنی باشد.

برگزاری نشست‌های تربیتی در خانواده و

مادر بزرگهای دور اندیش بخوبی به این حقیقت عالمند که باید در رابطه با نوه یکی یکدانه دقت بیشتری داشته باشند. اصولاً تک فرزندها بیشتر تمایل دارند با بزرگترها ارتباط برقرار کنند تا با همسن و سالهای خود، چرا که تک فرزندها عموماً از تجربه کافی برای برقراری ارتباط با کودکان و همسالان برخوردار نیستند، لذا مادر و مادر بزرگ کودک تنها (تک فرزند) باید تشریک مساعی، همدلی و همزبانی بیشتر و رفتارهای مشابه تربیتی در ارتباط با او داشته باشند و فرصت‌های لازم برای معاشرت برای همسالان را برایش فراهم کنند.

مادر بزرگهای فهیم بدرستی می‌دانند که هرگز نباید مادر نوه خود را در حضور فرزندش مورد انتقاد و تحقیر قرار دهند، مادر کودک نیز همانند نوه‌شان نیازمند محبت، تأیید و تکریم شخصیت، بخصوص توسط اعضای خانواده‌اش می‌باشد.

نکته‌های تربیتی و توصیه‌های پرورشی در مورد رفتار با کودک در موقعیت‌ها و شرایط متفاوت و حسن تأمین نیازهای زیستی، شناختی، روانی و اجتماعی او باید در غیاب کودک مطرح و مورد بحث و تبادل نظر قرار گیرد و مشی مشترکی اتخاذ گردد. هرگز نباید زمینه‌هایی فراهم شود که کاهش دهنده اقتدار تربیتی مادر باشد.

هر قدر نوه یک دانه مادر بزرگ عزیز باشد، حتی برای مادر بزرگی که پسرش در راه حق و دفاع مقدس به فیض عظیم شهادت نایل آمده و این نوه عزیزترین "یادگار" پسر شهیدش است، باز هم برای حسن تربیت این نوه عزیز و نور چشم خانواده شهید، شایسته و سزاوار آن است

به قول گزل (GESSEL) ، روان شناس شهیر امریکایی، بچه‌ها در پنج ، شش سالگی نسخهٔ کوچک جوانی هستند که بعداً خواهند شد. ^۸ البته آقای گزل نمی‌خواهد منکر نقش تربیت در مراحل جوانی و بزرگسالی شود، بلکه در پی آن است که بر نقش اساسی و تعیین کنندهٔ تربیت در سنین کودکی که به صورت غیرمستقیم و مشاهده‌ای صورت می‌گیرد، تأکید کند. به همین دلیل است که چگونگی رابطهٔ مادر بزرگها و نوه‌ها که عمدتاً در سنین پیش دبستانی معنا پیدا می‌کند، فوق‌العاده مهم و قابل توجه است .

تجمع هنای محدود و در مدرسه، با حضور صاحب‌نظران تربیتی و روان‌شناسان حاذق می‌تواند فوق‌العاده مؤثر و مفید واقع شود، چرا که این مهم تأثیر بسزایی در فرایند تکوین و رشد شخصیت کودک دارد.

بیشترین ارتباط و رابطهٔ عاطفی مادر بزرگها و نوه‌ها ، آنجا که مادر بزرگ نقش قابل توجهی دارد، در سنین پیش دبستانی است ، سالهای بسیار مهم و حساسی که اغلب کودکان در خانواده هستند و در این سالهاست که خمیرمایهٔ شخصیت آنان شکل می‌گیرد و به فرمودهٔ پیامبر خدا - صلی الله علیه و آله - سالهای محبت‌پذیری ^۷ و حاکمیت عاطفی، یعنی سالهای تعیین کنندهٔ شخصیت اجتماعی .

پی‌نوشتها:

- ۱- مادر بزرگ، مادر بزرگ است ، اعم از این که مادر پدر کودک باشد یا مادر مادر او . هر چند که در غالب موارد به لحاظ همان نزدیکی و صمیمیتی که بین مادر و دختر برقرار است ، مادر بزرگ اول نوه‌ها ، مادر مادرشان است .
- ۲- بحارالانوار، جلد ۷۵، صفحه ۱۳۷
- ۳- لیس من لم یرحم صغیرنا و لم یوقر کبیرنا - همان منبع
- ۴- بحارالانوار ، جلد ۷۵ ، صفحه ۱۳۶
- ۵- نهج‌الفصاحه، صفحه ۲۲۲
- ۶- گزارش سازمان بهداشت جهانی (WHO) ، ۱۹۹۸ ،
- ۷- الولد سیّد سنین و عبّد سبع سنین و وزیر سبع سنین .
- ۸- به عبارتی دیگر اگر جوانی را می‌بینیم که قدری کمرو و مضطرب است، در غالب موارد رگه‌های اصلی آن را باید در نحوهٔ رشد و تحول شخصیت او در سنین پیش دبستانی جست‌وجو کرد و اگر جوانی را مشاهده می‌کنیم که خیلی اجتماعی، خلاق و پویاست ، زمینهٔ این صفات مطلوب را نیز می‌توانیم در نحوهٔ زندگی او در سنین پیش دبستانی سراغ بگیریم .